

Secondary Meanings of Interrogative Sentences in Parvin E'tesâmi Poems

Jahandoost Sabzalipour 

Associate Professor, Department of
Persian Language and Literature, Rasht
Branch, Islamic Azad University, Rasht,
Iran

Hengameh Vaezi 

Assistant Professor, Department of
English Language and Literature, Rasht
Branch, Islamic Azad University, Rasht,
Iran

Abstract

A sentence can structurally be used in three forms: declarative, interrogative, and imperative. Semantically, each type may have different meanings in various contexts. The discussion of secondary or multiple meanings of a sentence has long been considered by rhetoricians, especially in the field of semantics. The secondary meanings of the above three sentences have been frequently debated. It has also been considered in today's pragmatics. In this paper, Parvin E'tesâmi's poems have been studied from the perspective of secondary meanings in interrogative sentences. The question of this research is to recognize what are the secondary meanings of interrogative sentences in her poems in order to determine the capacity range of these kinds of sentences in the Persian language and the literary context. The study showed that out of 639 interrogative sentences, 34 are real questions and 29 have secondary or implicit meanings. Out of 29 secondary meanings, the most frequency belongs to the denial questions and the least to regret ones. The expression of several secondary meanings in one sentence has simultaneously been found in her works. This study shows that despite the different time periods and her gender (being a woman), her literary text, like other texts of outstanding poets in Persian literature, had more desire to use the interrogative sentences in the secondary sense and the literary context enhances the capacity to utilize interrogative sentences in secondary meanings.


Keywords: Parvin E'tesâmi, Interrogative Sentences, Pragmatics, Rhetoric, Secondary meanings.

– Corresponding Author: sabzalipor@gmail.com


How to Cite: Sabzalipour, J., Vaezi, H. (2022). Secondary Meanings of Interrogative Sentences in Parvin E'tesâmi Poems. *Literary Text Research*, 26(92), 223-252. doi: 10.22054/LTR.2019.44260.2746

معانی ثانوی جمله‌های پرسشی در اشعار پروین اعتصامی

دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد
 اسلامی، رشت، ایران

جهاندوست سبزعلیپور * 

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد
 اسلامی، رشت، ایران

هنگامه واعظی 

چکیده

جمله از نظر صورت به شکل‌های خبری، پرسشی و امری به کار می‌رود؛ اما از نظر معنا، می‌توان برای هر یک از این جمله‌ها، معنایی خاص و متفاوت در نظر گرفت. بحث معانی ثانوی و یا معانی چندگانه یک جمله از قدیم مورد نظر علمای بلاغت به‌ویژه در حوزه علم معانی بوده است. در قرون اولیه اسلامی روی معانی ثانوی جملات سه‌گانه فوق بحث‌های فراوانی شده است. در دوره جدید نیز در کاربردشناسی به این امر بسیار پرداخته شده است. در این پژوهش، اشعار پروین اعتصامی از منظر معانی ثانوی جملات پرسشی بررسی شده‌اند. پرسش این تحقیق آنست که جملات پرسشی دیوان پروین، چه معانی ثانویه‌ای دارند، تا مشخص گردد ظرفیت جملات پرسشی در زبان فارسی و در بافت ادبی چه مقدار است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که از مجموع ۶۳۹ جمله پرسشی دیوان او، ۳۴ جمله با پرسش واقعی و بقیه در معانی ثانوی به کار رفته‌اند و جملات پرسشی با معانی ثانوی نیز، مجموعاً ۲۹ معنی ثانوی را بیان می‌کنند که بیشترین به استفهام انکاری و کم‌ترین به حسرت و شمول حکم اختصاص دارد؛ بیان چندین معنی ثانوی در یک جمله، بطور همزمان نیز در آثار وی بسیار یافت می‌شود. این بررسی نشان می‌دهد که با وجود متفاوت بودن دوره زمانی و زن بودن شاعر، متن ادبی بررسی شده، همانند متون ادبی دیگر بزرگان ادب فارسی، تمایل بیشتری به کاربرد جمله‌های پرسشی در معانی ثانویه دارد و بافت ادبی ظرفیت استفاده از جمله پرسشی در معانی ثانوی را تشدید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: پروین اعتصامی، جمله‌های پرسشی، کاربردشناسی، علم معانی، معانی ثانوی.

مقدمه

انواع جمله‌ها به لحاظ ساختاری به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند؛ خبری، پرسشی و امری. هر یک از این ساختارها، دارای ویژگی‌های نحوی منحصر به خود هستند که در بافت گفتمانی با نقش‌ها و معانی متفاوتی مرتبط می‌شوند. یک جمله پرسشی در حالت عادی نقش پرسشی دارد، اما می‌تواند نقش تقاضا یا امر را نیز ایفا کند. هرگاه مقصود گوینده‌ای از «جمله پرسشی» پرسش باشد، گوینده مستقیماً منظور خود را به مخاطبش انتقال داده است. اگر گوینده از «جمله پرسشی» استفاده کند، اما منظورش درخواست مؤدبانه باشد با معنای ثانویه مواجه هستیم. علم معانی به منظور یا اغراض ثانویه توجه خاصی داشته است. بنابراین، معنای ثانویه به منظور گوینده یا نویسنده دلالت دارد؛ شنونده یا خواننده نیز با توجه به بافت و تکیه بر سبک وی، معنا را درک می‌کند. برای مثال:

- کجا درس می‌خوانی؟ (پرسش، کسب اطلاعات به‌طور مستقیم).

- می‌شود نمکدان را به من بدهید.

در شعر یا سبک‌های ادبی، شاعر در اکثر نوشته‌های خود، جمله‌های پرسشی را با منظوره‌های متعددی به کار می‌برد. حسب دریافت مخاطب، می‌توان برای پرسشی واحد، چند معنای ثانویه در نظر گرفت؛ یعنی ممکن است پرسشی برای مخاطبی معنی تشویق دربر داشته باشد و مخاطبی دیگر، آن را بر شگفتی حمل کند. شاعران برجسته ادب فارسی چون حافظ و سعدی از چنین ابزاری برای بیان اندیشه خود بهره گرفته‌اند. پژوهش حاضر به بررسی معنای ثانویه چنین جملاتی از دیدگاه پروین اعتصامی -یک شاعر زن- در دوره معاصر اختصاص دارد تا بدانند وی از کدام معنای ثانویه از پرسش استفاده کرده است و تفاوت زیستن و اندیشیدن در دوره‌ای متفاوت از دوره‌های بزرگان ادب فارسی و جنسیت در تکثر معنای ثانویه این نوع جملات تأثیری داشته است یا خیر.

در این تحقیق متن کامل دیوان پروین اعتصامی به کوشش محمدتقی بابایی (نشر نمونه [بی‌تا]) برای استخراج جملات پرسشی بررسی شده است. به‌طور کلی، تعداد جملات پرسشی دیوان پروین اعتصامی ۶۴۱ مورد است. در این پژوهش برای ارجاع به دیوان پروین همه جا از عبارت «دیوان پروین» استفاده شده و از آنجا که سال نشر منبع مورد نظر معلوم نیست از ذکر سال اثر در کنار هر بیت خودداری شده و بجای آن شماره صفحه نمونه بیان شده، درج شده است.

۱. پیشینه پژوهش

بررسی‌های دستورنویسان سنتی مانند قریب و همکاران (۱۳۶۹)، عماد افشار (۱۳۷۲)، لازار^۱ (۱۹۵۷ [۱۳۸۴]) نشان می‌دهد که همگی در دسته‌بندی جملات فارسی به جملات پرسشی قائل بوده‌اند و آن‌ها را جملاتی می‌دانند که امری را پرسش می‌کنند. مرور مطالعات زبان‌شناسانی چون باطنی (۱۳۷۰)، غلامعلی‌زاده (۱۳۷۲)، مشکوة‌الدینی (۱۳۷۴)، میرعمادی (۱۳۷۶)، راسخ‌مهند (۱۳۷۹)، کهنمویی‌پور (۲۰۰۱)، آهنگر (۱۳۸۵)، کریمی و طالقانی (۲۰۰۷)، واعظی (۱۳۸۹) و دبیرمقدم (۱۳۹۵) در ساختارهای پرسشی نشان می‌دهد که در برهه‌ای از زمان نقش‌های سؤالی جملات پرسشی بر مبنای رویکردهای نظری، مانند نظریه «مقوله و میزان هلیدی»، «دستورگشتاری»، «حاکمیت و مرجع‌گزینی»، «کمینه‌گرایی» مورد توجه بوده است. نکته قابل توجه این است که جملات پرسشی، کارکردهای دیگری نیز دارند که بخش دوم پیشینه به مطالعات محققان با تأکید بر نقش‌های ثانوی جمله‌های پرسشی می‌پردازد.

آق‌اولی (بی‌تا) به ۲۰ غرض جملات پرسشی اشاره کرده است. مازندرانی در قرن یازدهم در انوارالبلاغه، ۱۱ کارکرد ثانوی برای جملات پرسشی در نظر گرفته است (ر. ک: مازندرانی، ۱۳۷۶). در دوره اخیر نیز زاهدی در روش گفتار علم بلاغه به ۲۶ کارکرد از کارکردهای ثانوی جملات پرسشی (زاهدی، ۱۳۴۶)، رضانژاد به ۳۴ کارکرد ثانوی جملات پرسشی (ر. ک: رضانژاد، ۱۳۶۷)، کزازی به ۱۲ مورد از کارکردهای ثانوی جملات پرسشی (کزازی، ۱۳۷۰) و رجایی به ۱۳ مورد از کارکردهای ثانوی جملات پرسشی (ر. ک: رجایی، ۱۳۵۳) اشاره کرده‌اند.

بتولی‌آرانی (۱۳۸۰) در بررسی نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در اشعار مهدی اخوان ثالث و فروغ فرخزاد بر پایه نظریه کنش‌های گفتاری و بلاغت شعر فارسی به این نتیجه رسیده است که از ۲۸ کارکرد ثانوی جملات پرسشی (مطابق نظر شمیسا) فروغ فرخزاد، ۱۵ کارکرد و اخوان ۱۲ کارکرد را به کار برده‌اند. شمیسا (۱۳۸۱) ۲۸ غرض از اغراض ثانوی جملات پرسشی را معرفی کرده است (شمیسا، ۱۳۸۱).

اکبری (۱۳۸۳) در منظورشناسی پرسش‌های بوستان سعدی، ۳۲۸ جمله پرسشی یافته که با بررسی آن‌ها، ۲۴ کارکرد ثانوی جملات پرسشی را بیان کرده است.

1. Lazard, G.

رحیمیان و شکری احمدآبادی (۱۳۸۱) در بررسی خود از مجموع ۳۶۶ بیت در غزلیات حافظ، ۲۵۵ بیت دارای جملات پرسشی را بررسی کرده‌اند. آن‌ها ۱۹ معنای غیرپرسشی برای جملات پرسشی معرفی کردند.

طاهری (۱۳۸۷) با بررسی غزلیات حافظ از ۴۲۹ جمله پرسشی، ۳۵ غرض ثانوی جملات پرسشی را بیان کرده است.

پارسا و مهدوی (۱۳۹۰) با انتخاب غزلیات شمس، ۶۲۴ غزل از غزلیات دیوان شمس را بررسی کرده و در مجموع به ۲۷ کارکرد از کارکردهای ثانوی جملات پرسشی دست پیدا کرده‌اند. باقری خلیلی و محمودی نوسر (۱۳۹۲) در بررسی غزلیات سعدی به ۱۰ غرض از اغراض ثانوی جملات استفهامی اشاره کرده‌اند.

افضلی‌راد و ماهیار (۱۳۹۵) معانی ثانویه جملات پرسشی را در غزلیات سعدی بررسی کرده‌اند. از نظر آن‌ها، اغراض ثانویه جملات پرسشی همه آن‌هایی نیستند که در علم معانی آمده‌اند. سعدی از ۲۳۸ غزل که تصادفی براساس فرمول مورگان^۱ از مجموع ۷۱۴ انتخاب شده است به ۴۵ غرض ثانوی توجه داشته و اظهار معانی متعدد به‌طور همزمان نیز در یک جمله صورت گرفته است.

دشتی‌آهنگر (۱۳۹۵) به نقد علم معانی سنتی و کارکرد آن از دیدگاهی نو می‌پردازد. از نظر وی، در کتب بلاغی تاکنون برای جملات پرسشی، معانی در نظر گرفته‌اند؛ مانند امر، نهی، بیان تحسر، ترغیب و مانند اینها. معانی ثانوی دیگر برای جملات پرسشی در دوره معاصر به دلیل رویکرد خواننده‌مدار به متن در علم معانی سنتی مسکوت مانده است.

مالمیر و وزیله^۲ (۱۳۹۶) معانی ثانوی استفهام را در بلاغت عربی و فارسی بررسی کرده‌اند. پس از جمع‌بندی و حذف موارد تکراری به این نتیجه می‌رسند که معانی ثانوی استفهام در کتب بلاغی عربی در ۳۵ عنوان مشترک و در کتب بلاغی فارسی در ۳۲ عنوان مشترک مطرح شده‌اند. این درحالی است که با مطالعه شعر و ادب فارسی به شواهدی از سؤال می‌رسند که قابلیت دسته‌بندی را در هیچ‌کدام از عناوین مطرح شده در آثار بلاغی فارسی و عربی ندارد. آنان با مطالعه غزلیات حافظ به ۶۱۵ سؤال دست یافتند که از این تعداد ۴ سؤال در معنای حقیقی به کار رفته است.

1. Morgan, W.

۲. این نام فارسی و یا ایرانی است و زَیله و malmir

۲. بنیاد نظری

در علم زبان‌شناسی، معنای واژگانی و ساختاری (معناشناسی نظری) همواره مورد توجه بوده است که به معنای گزاره‌ای و تحت‌اللفظی عناصر جمله و استخراج معنای کلی حاصل از ترکیب واحدهای سازنده آن دلالت دارد و در کاربردشناسی، معنای مورد نظر گوینده مورد توجه است. به عبارت دیگر، در علم کاربردشناسی به دنبال نیت گوینده یا نویسنده از بیان جمله (معناشناسی کاربردی) می‌گردیم. کاربردشناسی با نیت و قصد گوینده از بیان جمله در ارتباط است؛ از این رو، لازم است تا معنای جمله از طریق بافت بررسی شود. بنابراین، کاربردشناسی به مطالعه معنای جمله از طریق بافت می‌پردازد. در ادامه مختصری به مفهوم بافت و انواع آن اشاره می‌شود (واعظی و مدرسی، ۱۳۹۶).

۱-۲. بافت و انواع آن

اساساً بافت به موقعیت زبانی یا غیرزبانی اشاره دارد که از طریق آن معنای مورد نظر گوینده متبلور می‌شود و جمله معنا می‌یابد. بر این اساس، بافت را بیشتر به دو نوع زبانی و موقعیتی (فیزیکی) تقسیم کرده‌اند. بافت زبانی به هر وضعیتی اطلاق می‌شود که معنای جمله یا عبارت زبانی (معنای گوینده) از طریق عناصر زبانی مجاور یا غیرمجاور خود مشخص شود و بافت فیزیکی به یک موقعیت فیزیکی دلالت دارد که معنای واژه‌ها از طریق آن موقعیت تعیین می‌شود. در هر بافتی اعم از زبانی و غیرزبانی، مؤلفه‌های بافت نظیر هویت مشارکین، زمان، مکان، باورها، عقاید، دانش و مقاصد مشارکین در رخدادهای گفتاری شرکت دارند. معنای گوینده نهایتاً توسط مؤلفه‌های موجود در بافت است که روشن می‌شود. در این میان، عناصر زبانی تحت عنوان «عبارت‌های اشاری» وجود دارند که معنای آن‌ها صرفاً از طریق بافت موجود مشخص می‌شود (واعظی و مدرسی، ۱۳۹۶).

۲-۲. تلویح

گرایس^۱ (۱۹۷۵) تلویح را این‌گونه بیان می‌کند: تلویح، بخشی از کلام است که به طور ضمنی مورد نظر گوینده است، اما در کلام او تظاهر نمی‌یابد. گاهی منظور گوینده از طریق روابط منطقی موجود در سطح جمله حاصل می‌شود و مخاطب به آن دست می‌یابد که در

1. Grice, H. P

این صورت به آن تلویح قراردادی یا استلزام می‌گویند. در جمله «او یک ایرانی است، پس شجاع است» نتیجه منطقی «همه ایرانیان شجاع هستند» حاصل خواهد شد. نوع دیگر تلویح، تلویح مکالمه‌ای است که در نتیجه تخطی از اصول گرایش حاصل می‌شود. اگر در بافت زبانی، گوینده بگوید: «زننگ می‌زنند!» و مخاطب پاسخ دهد که «پشت کامپیوترم»، ظاهراً مخاطب از راهبرد ارتباط تخطی کرده است، اما چنین نیست، بلکه او تلویحاً بیان کرده است در حال حاضر قادر نیست که به زننگ تلفن پاسخ دهد. به این ترتیب، تخطی از هر یک از راهبردهای اصل همکاری، تلویح مکالمه‌ای را به دنبال دارد. چنانچه مخاطب بتواند منظور گوینده را از طریق مؤلفه‌های بافتی دریابد، مکالمه ادامه می‌یابد و ارتباط برقرار می‌شود. چنانچه نتواند به منظور گوینده برسد به نوعی مکالمه خاتمه یافته است.

۲-۳. کنش گفتاری

آستین^۱ (۱۹۶۲) بیان می‌کند که پاره‌گفتارها برای انجام اعمال و کنش‌ها به کار گرفته می‌شوند. به عبارت دیگر، با بیان یک پاره‌گفتار نه تنها مطلبی را می‌گوییم، بلکه انجامش می‌دهیم. به عنوان مثال، اگر به کسی که اتاق شما را ترک می‌کند، بگویید: «ممکن است در را پشت سر خود ببندید»، شما علاوه بر گفتن مطلبی، کنش تقاضا را نیز به کار برده‌اید. به این ترتیب یک رخداد گفتاری یا کنش گفتاری همواره دو بعد دارد: کنش بیان پاره‌گفتار که اصطلاحاً کنش بیانی نامیده می‌شود و دوم کنش غیربیانی که به (طرح) انجام کنشی دلالت دارد. آستین بُعد سومی را هم قائل می‌شود که کنش تأثیری نام دارد و به تأثیری اشاره می‌کند که پاره‌گفتار بر شنونده آن دارد. مثلاً اگر کسی بگوید: «خیلی تشنه‌ام»، بیان این عبارت کنش بیانی، طرح یک درخواست کنش غیربیانی و تأثیر آن بر شنونده - مثلاً برخاستن او برای آوردن آب - کنش تأثیری آن پاره‌گفتار خواهد بود (واعظی و مدرسی، ۱۳۹۶).

۲-۴. کنش گفتاری مستقیم و غیرمستقیم

اساساً با بیان هر پاره‌گفتار به کنش‌های گفتاری دستور، اطلاع‌رسانی، پرسش و درخواست اشاره می‌کنیم. برای هر کدام از این کنش‌ها یک مابه‌ازای دستوری در سطح جمله وجود دارد. مثلاً برای اطلاع‌رسانی از جمله خبری و برای پرسش از جمله پرسشی استفاده می‌شود.

1. Austin, J. L

به این شیوه از بیان، اصطلاحاً «کنش گفتاری مستقیم» گفته می‌شود. حال تصور کنید که برای بیان یک کنش گفتاری از مابه‌ازای دستوری آن استفاده نکنیم. مثلاً به جای استفاده از جمله امری برای دستور دادن از جمله خبری استفاده کنیم که برای اطلاع‌رسانی به کار گرفته می‌شود. به عنوان مثال، در کلاس درس معلم به دانش‌آموزی که وارد کلاس شده است، بگوید «در را باز گذاشتید» به جای آنکه بگوید: «در را ببند»؛ در این حالت اصطلاحاً از کنش گفتاری غیرمستقیم استفاده کرده‌ایم. استفاده از کنش گفتاری مستقیم و غیرمستقیم با عوامل اجتماعی نظیر فرهنگ جوامع، جنسیت، سن، طبقه اجتماعی و... در ارتباط است؛ به گونه‌ای که استفاده آن‌ها به جای یکدیگر منجر به مسائل گوناگونی نظیر سوء تفاهم، بی‌ادبی، لفظ قلم صحبت کردن و نظایر آن می‌شود (همان).

بررسی شواهد زبان انگلیسی نشان داده است که انواع متفاوتی از جملات با کنش‌های متفاوتی در ارتباطند. از نظر وی، انواع جمله‌ها به لحاظ ساختاری و نحوی به سه دسته اصلی تقسیم شده‌اند:

۱- ساختار خبری^۱

۲- ساختار پرسشی^۲

۳- ساختار امری یا درخواستی^۳.

هر یک از این ساختارها، دارای ویژگی‌های نحوی منحصر به خود هستند که در بافت گفتمانی با نقش‌های متفاوتی مرتبط می‌شوند. این سه ساختار را به ترتیب در سه جمله زیر (جدول (۱))، می‌توان از یکدیگر باز شناخت (یول، ۴، ۲۰۰۶):

جدول ۱. بازشناسی سه ساختار خبری، پرسشی و امری

نقش	ساختار	جمله
بیانی	خبری	You ate the pizza.
سؤال	پرسشی	Did you eat the pizza?
تقاضا	امری	Eat the pizza (please)

1. Declarative
2. Interrogative
3. Imperative
4. Yule, Y.

هر یک از این جمله‌ها با نقش‌های متفاوتی در ارتباط هستند. در صورت مستقیم یک جمله پرسشی در حالت عادی نقش سؤالی دارد، اما در صورت غیرمستقیم، می‌تواند نقش تقاضا یا امر را ایفا کند. جملات خبری نیز نقش توصیف یا بیان را نشان می‌دهند و جملات امری نیز با نقش تقاضا همراهند. بنابراین، هر یک از جملات با نقشی در محیط گفتمانی مرتبط هستند.

از دیدگاه سرل^۱ (۱۹۶۹) سه نقش و کارکرد سه ساختار بیان شده، عبارتند از: ۱- کارکرد توصیف یا بیان^۲، ۲- کارکرد پرسش^۳ و ۳- کارکرد امر یا درخواست^۴. وی در نهایت، این‌طور نتیجه‌گیری می‌کند که هرگاه مقصود گوینده‌ای از «ساختار خبری»، کارکرد «توصیفی یا بیانی»، از «ساختار پرسشی»، کارکرد «پرسش» و از «ساختار امری یا درخواستی»، کارکرد «امر و درخواست» باشد با کنش گفتاری مستقیم روبه‌رو هستیم. علاوه بر این، اگر این نسبت برهم بخورد (یعنی مثلاً اگر گوینده از «ساختار پرسشی» استفاده کرد، اما منظورش درخواست مؤدبانه بود) با کنش‌های گفتاری غیرمستقیم مواجه هستیم. برای مثال، هرگاه گوینده‌ای بگوید «It's cold» و منظورش بیان خبر سرد بودن هوا باشد، کنش گفتاری مستقیم است. نمونه دیگری از کنش گفتار مستقیم، پرسش مستقیم است، مانند: Did you eat pizza? که یعنی «پیتزا را خوردی؟» اما جمله‌های پرسشی می‌توانند با نقش تقاضا و خواهش به کار روند؛ مانند: Can you pass the salt? این جمله، پرسشی با نقش تقاضا و درخواست از مخاطب است. پس کنش غیرمستقیم است (یول، ۲۰۰۶).

البته یول اذعان می‌کند که همیشه نمی‌توان از پاره‌گفتارهای غیرمستقیم مانند این مثال به پاره‌گفتار مستقیم آن پی برد. مانند جمله Can you be a Doctor? که کنشی غیرمستقیم نیست، بلکه جمله‌ای تمنایی^۵ است. به عبارت دقیق‌تر، درک کنش مستقیم از طریق کنش غیرمستقیم نیست، بلکه مبتنی بر بافت موقعیتی است و از طریق دانش درون‌زبانی تعیین شدنی نیست. بنابراین، جمله‌هایی که در بافت‌های متفاوتی به کار می‌روند، نقش‌ها و کنش‌های مستقیم و غیرمستقیم را نشان می‌دهند. نمونه‌های غیرمستقیم را می‌توان از کاربرد و بافت برمبنای نقش کلامی آن درک کرد (یول، ۲۰۰۶).

-
1. Searle, J.
 2. Statement
 3. Question
 4. Command/ Request
 5. Optative

یکی از بافت‌هایی که می‌توان جملات پرسشی را با معانی دوم یافت، بافت ادبی است. معنای ضمنی در بافت به طور مستقیم دریافت نمی‌شود، بلکه با استناد بر نظر نویسنده یا شاعر با تأثیر از محیط و برهه زمانی درون متن خود می‌گنجانند. بنابراین، جمله‌های پرسشی در اشعار به معانی ثانویه به طور غیرمستقیم اشاره بسیار کرده‌اند که در بخش تحلیل، نگارندگان سعی دارند با بررسی معانی این نوع جملات، معانی غیرمستقیم از دیدگاه شاعری با جنسیت مؤنث را توصیف کنند.

۳. بررسی جملات پرسشی در دیوان پروین اعتصامی

در دیوان پروین جملات پرسشی، معانی مختلفی دارند. بخشی از آن‌ها برای پرسش واقعی به کار می‌روند و بخشی هم برای معانی دیگر به کار گرفته می‌شوند. در ادامه هر دو دسته به طور جداگانه شرح داده خواهند شد.

۳-۱. پرسش واقعی

کارکرد اصلی جمله پرسشی، پرسش و سؤال از مخاطب یا دیگران است؛ در دیوان پروین اعتصامی موارد بسیاری از این نوع جملات وجود دارد که در برای نمونه چند مورد از آن‌ها بیان می‌شود.

یکی پرسید از سقراط کز مردن چه خواندستی؟
بگفت ای یخبر مرگ از چه نامی زندگانی را
(دیوان پروین، ۲۰)

پرسید زان میانه یکی کودک یتیم
کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست؟
(دیوان پروین، ۱۳۰)

۳-۱-۱. پرسش در متن گفت و گو و نقل قول

گاهی در دل جملات خبری، یک جمله پرسشی ذکر می‌شود؛ معنا و کارکرد آن هم مشابه دیگر جملات پرسشی است؛ یعنی ممکن است پرسش واقعی باشد یا متناسب با فضای جمله، معنای ثانوی متعددی داشته باشد. نمونه‌ای از این جملات در زیر آمده است:

گر نکوهش کند که کوزه چه شد؟
سخنیم از برای گفتن نیست
(دیوان پروین، ۱۶۹)

بگفت آنکه به دریای خون فکند مرا بگفت آنکه به دریای خون فکند مرا
(دیوان پروین، ۱۵۶)

از رود و دشت و دره گذشتیم هزار سال با من نگفت هیچ کسی کاین چه ماجراست
(دیوان پروین، ۱۳۰)

۲-۳. معانی ثانوی جملات پرسشی

جملات هر زبان ممکن است به شکل‌های خبری، پرسشی، تعجبی و... ظاهر شوند. این نوع از جملات علاوه بر معنی اصلی خودشان، یک یا چند معنی ثانوی نیز دارند. چیزی که نشانگر معنی ثانوی یک جمله است، متن آن جمله و نیز فهم و درایت مخاطب است. فهم معانی ثانوی جملات پرسشی همواره به آسانی نیست و گاهی ممکن است، خوانندگان یک متن را به اشتباه بیندازند. دلیل این امر به نوعی هم‌پوشانی کارکردهای جملات پرسشی است. به‌عنوان نمونه، عبرت گرفتن، آموزش دادن و سرزنش، هر کدام موضوعی خاص هستند، اما ممکن است شاعر یک جمله را چنان بگوید که هر سه معنای ثانوی آن‌ها را دربر داشته باشد و هر مخاطبی به یکی از این موارد اشاره کند. مثلاً در شعر زیر:

بر بلندی چو سپیدار چه افزایی؟ بارور باش تو نخلی نه سپیداری
(دیوان پروین، ۱۰۸)

در بیت اخیر، هم معنای پند و اندرز نهفته است (سعی کن مثل سپیدار بی بر نباشی)، هم معنای سرزنش را در خود دارد (تا کی می‌خواهی مثل سپیدار بی میوه باشی؟) و هم کلامی تعلیمی است که برای آموزش اخلاق کاربرد دارد. حتی ممکن است عده‌ای برای بعضی از جملات پرسشی معانی ثانوی در نظر نگیرند.

این خاصیت در فهم معانی ثانوی جملات پرسشی، باعث شده است، اغلب کسانی که در این حوزه پژوهش می‌کنند، نظراتشان متفاوت از هم باشد. به‌عنوان نمونه، دو تحقیق در مورد معانی ثانوی جملات پرسشی دیوان حافظ انجام شده است که در آن‌ها رحیمیان و شکری احمدآبادی (۱۳۸۱) به ۱۹ غرض ثانوی و طاهری (۱۳۸۷) به ۴۵ غرض ثانوی اشاره کرده‌اند. همچنین دو تحقیق در مورد اغراض ثانوی جملات پرسشی غزلیات سعدی انجام

شده که در آن‌ها باقری خلیلی و محمودی نوسر (۱۳۹۲) به ۱۰ غرض ثانوی جملات پرسشی در غزلیات سعدی و افضل‌ی‌راد و ماهیار (۱۳۹۵) به ۴۵ غرض اشاره کرده‌اند. نتیجه بحث این است که حتی اگر دو محقق روی یک متن و با یک رویکرد (مشخص کردن معانی ثانوی جملات پرسشی) پژوهشی انجام دهند، احتمالاً، نتایج با هم متفاوت خواهند بود. در شعر پروین نیز که متنی ادبی است، این نکته به چشم می‌خورد و ترسیم خط قرمز بین معنای ثانوی جملات پرسشی گاهی بسیار غیرممکن می‌نماید؛ به عبارت دیگر، نه تنها از نظر کیفی، بلکه از نظر کمی؛ یعنی شمارش تعداد جملات با بار معانی ثانوی نیز کاری سخت خواهد بود. پربسامدترین جملات پرسشی آن دیوان به شرح جدول (۲) است که از حداکثر تا حداقل دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۲. فراوانی معانی ثانویه پرسش در جامعه آماری اشعار پروین اعتصامی

بسامد در دیوان پروین	معنای جملات پرسشی	بسامد در دیوان پروین	معنای جملات پرسشی
۱۰	اظهار یأس	۱۶۱	استفهام انکاری
۱۰	اظهار تأسف و ناراحتی	۹۲	سرزنش و شماتت
۸	اعتراض	۴۳	استبعاد
۷	استفهام تقریری	۳۴	پرسش واقعی
۷	انتظار	۳۵	بی‌تابی
۶	اثبات عقیده	۳۴	شکایت
۵	تنبه و عبرت	۲۵	تعلیم و آموزش
۵	تجاهل	۲۳	خبر دادن
۵	اظهار ندامت	۲۰	تعجب
۵	تمنا	۱۸	تحقیق
۴	تعظیم	۱۷	تمسخر
۴	انس گرفتن	۱۵	نهی
۴	منافات یا عدم تناسب	۱۳	استفهام تأکیدی
۳	حسرت	۱۲	بیان درد
۳	شمول حکم	۱۱	بیان عجز

در ادامه برای هر یک از معنای ثانوی جملات پرسشی در دیوان پروین - در جدول (۲) به آن‌ها اشاره شد- شواهدی بیان می‌شود. ترتیب قرار گرفتن این موارد مطابق بسامد آن‌هاست و از پربسامد به کم‌بسامد مرتب شده‌اند.

۳-۲-۱. استفهام انکاری و نفی

استفهام انکاری به نوعی از جملات پرسشی اطلاق می‌شود که گوینده مطلبی را به شکل پرسشی چنان بیان می‌کند که جوابش منفی و انکاری باشد؛ یعنی باید انکارشود؛ یعنی اگر می‌پرسد: «نیکی چه کرده‌ایم که تا روزی/ نیکو دهند مزد عمل ما را» (دیوان پروین، ۱۷)، جوابش این است که نیکی نکرده‌ایم. مثل این است که در زبان روزمره بپرسند: «رضا می‌گوید می‌تواند این همه راه بیاید؟». این جملات که به آن‌ها جملات منفی هم می‌توان گفت در صدر جملات پرسشی دیوان پروین هستند؛ یعنی پروین ۱۶۱ جمله ذکر کرده که دارای چنین کارکردی هستند.

همه یغماگر و دزدند در این معبر کیست آن کو نگرفتند گریانش؟
(دیوان پروین، ۷۷)

چو رود غیب و هنگام حضور آید تو چه داری که توان برد بدان محضر؟
(دیوان پروین، ۶۹)

تیره دلان را چه غم از تیرگی است؟ کی غم سرمای زمستان ماست
(دیوان پروین، ۱۳۳)

از بندگی جز آلودگی چه خیزد؟ پاکی، صفت آفریدگار است
(دیوان پروین، ۲۹)

کفتار گرسنه چه می‌شناسد کآهو بره پروا یا نزار است؟
(دیوان پروین، ۲۷)

ره و رسم بازارگانی چه دانسی؟ تو کز سود نشناختستی زیان را
(دیوان پروین، ۱۹)

عده‌ای از محققین بین استفهام انکاری و نفی فرقی قائل شده‌اند؛ به‌عنوان مثال، افضل‌ی‌راد و ماهیار (۱۳۹۵) در پژوهش خود استفهام انکاری را چنین تعریف کرده‌اند: «منظور از انکار،

نفی و تکذیب جمله است که به گفته جرجانی (۱۳۶۸)، فعل این گونه جمله‌های پرسشی مثبت است، اما جواب منفی است و خواننده از سیاق کلام متوجه انکار می‌شود» (افضلی‌راد و ماهیار، ۱۳۹۵). ایشان در ادامه در بخش نفی نوشته‌اند: «نفی جمله خبری، منفی است که گوینده آن را در قالب پرسش مطرح می‌کند تا منظور خود را بیان کند. در پاسخ برخی از این گفته‌ها می‌توان گفت: «نیست» (همان). با توجه به اینکه در هر دو مورد جواب جمله منفی است و نوعی تکذیب در هر دو وجود دارد در پژوهش حاضر، هر دو (استفهام انکاری و نفی) یک‌جا ذکر شده‌اند.

۲-۲-۳. سرزنش و ملامت

یکی دیگر از معانی ثانوی جملات پرسشی، سرزنش و ملامت است. اغلب جملاتی که هنگام شماتت و سرزنش به کار می‌رود به شکل پرسشی است. به‌عنوان مثال: «شما نبودید که گفتید برمی‌گردم؟ پس چه شد؟» در دیوان پروین اعتصامی هم این جملات بسیار پربسامد هستند.

بیهوده چند عرصه به من تنگ می‌کنی؟ بهر گذشتن تو به صحرا هزار جاست

(دیوان پروین، ۱۳۶)

در نار جهل از چه فکندیش این سر است؟ در پای دیو از چه فکندیش این سر است؟

(دیوان پروین، ۳۰)

چه کشی منت دونان به سر هر ره چه روی در طلب نان به سوی هر در

(دیوان پروین، ۷۳)

۳-۲-۳. استبعاد یا بعید بودن

گاه هدف از بیان جمله پرسشی نشان دادن این است که امر مورد بحث هرگز اتفاق نمی‌افتد و محال است برای کسی چنین اتفاقی بیفتد.

عسس کی شود دزد تیره روان؟ تو خود باش این گنج را پاسبان

(دیوان پروین، ۳۳۶)

پارهٔ جان در رگ و بسند است و بی سوزنش کی چاره خواهد کرد کی؟
(دیوان پروین، ۳۲۷)

۳-۲-۴. اظهار بی تابی

گاهی هدف از بیان جملات به شکل پرسشی، بیان بی تابی، ناراحتی و درد دل گوینده است؛ گویا شاعر، مخاطب را شخصی صمیمی فرض کرده و در حال درد دل با اوست. مشابه چنین جملاتی در زبان روزمره، این جمله است: «پس چرا نمی آیی؟».

کس بجز بخت بدم رهبر نیست
که به سوی چمنم خواهد برد؟
(دیوان پروین، ۱۶۴)

باغبانش ز چه در زندان کرد
بلبل شیفته یغماگر کیست
(دیوان پروین، ۱۶۴)

اطفال را به صحبت من از چه میل نیست؟
کودک مگر نبود کسی کو پدر نداشت
(دیوان پروین، ۱۸۰)

۳-۲-۵. اظهار شکایت و گلایه

تعدادی از جملات پرسشی در دیوان پروین با هدف اظهار شکایت و گلایه بیان می شوند. با توجه به اینکه پروین اعتصامی به طور کلی شاعری اهل اعتراض و شکایت به اوضاع زمانه بوده- و به ویژه در مورد حقوق زنان و مستمندان جامعه اشعاری نغز سروده- از این نوع اشعار در دیوان او زیاد یافت می شود.

اگر عدل است کار چرخ گگردون
چرا من سنگم و تو لعل رخشان؟
(دیوان پروین، ۳۷۱)

تو غرق سیم و زر و من به خون دل رنگین
به قهر خلق چه خندی تو را که سیم و زراست؟
(دیوان پروین، ۱۶۳)

آخرین فتنه سیه کاری کیست؟
گر که کار فلک اخضر نیست
(دیوان پروین، ۱۶۴)

۳-۲-۶. تعلیم و آموزش

یکی دیگر از معانی ثانوی جملات پرسشی در دیوان پروین اعتصامی آموزش دادن و تعلیم است؛ یعنی شاعر برای آموختن و تعلیم از شکل سؤالی جملات استفاده می‌کند.

چرخ بر گرد تو دانی که چه سان می‌گردد؟
همچو شهباز که بر گرد کبوتر گردد
(دیوان پروین، ۵۴)

غافل چرا روی که کشندت چو غافلان؟
پشت از چه خم کی که نهدت به پشت بار؟
(دیوان پروین، ۲۱۸)

۳-۲-۷. اخبار به شکل غیرمستقیم

یکی دیگر از کارکردهای جملات پرسشی بیان خبر یا دادن اطلاع است. گوینده خبر بدون اینکه از شنونده انتظار دریافت جوابی داشته باشد، پرسشی مطرح می‌کند. این جملات پرسشی هیچ‌گاه دارای جوابی از طرف مخاطب نیستند، گاه ممکن است خود گوینده به سؤال طرح شده خود پاسخ دهد و به این طریق خبری یا اطلاعی به خواننده برساند. البته در زبان ادبی یا شعر، بیان عاطفه بیش از خبررسانی در اولویت شاعر است. نمونه‌ای از جملات پرسشی با هدف ثانوی خبررسانی در دیوان پروین اعتصامی در ادامه آمده است.

لعل من چیست؟ عقده‌های دلم
عقد خونین به هیچ معدن نیست
(دیوان پروین، ۱۶۹)

آن نشنیدید که یک قطره اشک
صبحدم از چشم یتیمی چکبید؟
(دیوان پروین، ۲۰۶)

دانی چه گفت نفسس به تیه خوش؟
زین راه باز گرد گرت راه دیگر است
(دیوان پروین، ۳۱)

۳-۲-۸. بیان تعجب

یکی دیگر از کارکردهای جملات پرسشی بیان تعجب است؛ یعنی گوینده تعجب خود را به شکل پرسشی بیان می‌کند. نمونه اشعاری از دیوان پروین که در آن‌ها جملات پرسشی با هدف تعجب بیان شده‌اند:

از ما چه صلح خیزد و جنگ؟ این چه فکرت است
در دست دیگرست گر آب و گر آسیاست
(دیوان پروین، ۱۳۸)

ما سبکباریم از لغزیدن ما چاره نیست
عاقلان با این گرانسنگی چرا لغزیده‌اند؟
(دیوان پروین، ۱۹۱)

خواجه از آغاز شب در خانه بود
حاجب از بهر که در را می‌گشود؟
(دیوان پروین، ۳۲۱)

۳-۲-۹. تحقیر

در تعدادی از جملات یافت شده در شعر پروین، معنای ثانوی جملات پرسشی، تحقیر است.

در دست بانویی به نخ می‌گفت سوزنی
کای هرزه گرد بی سر و بی پا چه می‌کنی؟
هر پارگی به همت من می‌شود درست
پنهان چنین حکایت پیدا چه می‌کنی؟
(دیوان پروین، ۲۸۱)

۳-۲-۱۰. تمسخر

گاهی هدف از جملات پرسشی، بیان طنز و تمسخر است به طوری که شاعر، نویسنده و گوینده، مطالب طنز آلود را به شکل سؤالی بیان می‌کند.

به کنج مطبخ تاریک تا به گفت به دیگ
که از ملال نمردی؟، چه خیره سر بودی
(دیوان پروین، ۲۷۴)

گفت چنین خانه و مهممان کجا؟ مور کجا قصر سلیمان کجا؟
(دیوان پروین، ۲۹۴)

دوره پیریت چراست سیاه؟ مگرت دورهٔ شباب نبیود
(دیوان پروین، ۱۹۹)

۳-۲-۱۱. نهی به شکل غیرمستقیم و مؤدبانه

بر حذر داشتن و نیز دستور دادن به ترک یا عدم انجام کاری به روشی محترمانه، اغلب در زبان فارسی با پرسش بیان می‌شود. به‌عنوان مثال، به جای اینکه بگویند: «در را باز نکن» می‌گویند: «چرا در را باز می‌کنی؟» در زبان ادبی هم از این نوع از جملات بسیار یافت می‌شود. نمونه‌ای از این جملات در شعر پروین به این شرح است:

چرا بایست در هر پرتگه مرکب دوانیدن؟ چه فرجامی است غیر اوفتادن بدعنائی را؟
(دیوان پروین، ۲۲)

چه می‌دزدی از فرصت و کار و کوشش؟ تو خود نیز کالای دزد جهانی
(دیوان پروین، ۱۲۱)

معنی: از فرصت کار و کوشش ندزد و کم نکن!

به فردا چه می‌افکنی کار امروز بخوان آن کسی را که مشتاق او بی
(دیوان پروین، ۲۸۲)

۳-۲-۱۲. استفهام تأکیدی

یکی دیگر از معانی ثانوی جملات پرسشی بیان تأکید است؛ گوینده با این روش سعی دارد بر مطلبی که بیان می‌کند، تأکید بیشتری کند.

کس را نرساند چرا به منزل گرتوسن افلاک راهوار است؟
(دیوان پروین، ۲۹)

گل چرا خوش نشسید، دایم ماهتاب و چمن و شب‌نم نیست؟
(دیوان پروین، ۱۶۸)

به پای گلبن زیبای هستی این همه خار برای چیست اگر برای خلیدن نیست؟
(دیوان پروین، ۱۷۱)

در بیت اول منظور شاعر این است که توسن افلاک و روزگار کسی را به سرمزل آروزهایش نخواهد رساند. اگر چنین است پس چرا تا حال چنان نکرده است؟ بیت آخر بدان نکته تأکید دارد که اگر این خارهای روزگار برای فرو رفتن در پای کسی نیست، پس برای چیست؟ یعنی حتماً برای خلیدن و فرو رفتن است.

۳-۲-۱۳. بیان دردها و مشکلات

یکی دیگر از معانی ثانوی جملات پرسشی بیان دردها و مشکلات و به نوعی اظهار دردمندی است. گوینده در این نوع از جملات سعی دارد دردهای خویش را بیان کند و با بیان آنها به شکل پرسشی به نوعی آنها را نشانه‌گذاری کرده و برجسته می‌کند؟ مثل این است که کسی در زبان روزمره بگوید «هیچ میدانی چه عذابی کشیدم تا به آنجا رسیدم؟»

من کجا بوسه مادر دیدم؟ اشک بود آنکه ز رویم بوسید
(دیوان پروین، ۲۰۵)

بر وصله‌های پیرهنم خنده می‌کند دینا و درهمی پدر من مگر نداشت؟
(دیوان پروین، ۱۸۱)

چرا کنند کم از دسترنج مسکینان؟ چرا به مظلومه افزون به مال و جاه کنند؟
(دیوان پروین، ۱۹۷)

۳-۲-۱۴. بیان عجز

بیان عجز و ناتوانی یکی دیگر از کارکردهای جملات پرسشی در دیوان پروین اعتصامی است؛ یعنی شاعر سعی دارد با استفاده از شکل پرسشی، ناتوانی خویش و یا نوع خود را به

مخاطب عرضه کند. ویژگی این جملات این است که اغلب به شکل غیرشخصی بیان می‌شوند؛ یعنی گوینده نوع کلی افراد یا جامعه بشری را خطاب قرار داده و مخاطبش شخص خاصی نیست.

چه توان گفت به یغماگر دهر؟ چه توان کرد چو می‌باید مرد؟

(دیوان پروین، ۱۸۵)

چه توان کرد اندرین دنیا؟ دست و پا می‌زنیم تا نفسی است

(دیوان پروین، ۱۴۱)

طوطی از قفس دیگر گرفت چه توان کرد رده دیگر نیست؟

(دیوان پروین، ۱۶۴)

۳-۲-۱۵. اظهار یأس

از دیگر معانی ثانوی جملات پرسشی، بیان یأس و ناامیدی است. گوینده با بیان جملات خود به شکل پرسشی قصد دارد یأس خود را بیان کند. در شعر پروین اعتصامی تعدادی از این جملات به کار رفته است.

حدیث خویش چه گویم چون نمی‌پرسند؟ حساب خود چه نویسیم چون نمی‌خوانند

(دیوان پروین، ۱۹۶)

چونکه فردا شد و پژمرده شدم کیست آن کس که هوا خواه من است؟

(دیوان پروین، ۱۴۶)

۳-۲-۱۶. اظهار تأسف و ناراحتی

بیغولۀ غولان چرا بدین سان آن کاخ همایون زرنگار است؟

(دیوان پروین، ۲۵)

پرویزن است سقف من از بس شکستگی
در برف و گل چگونه تواند کس آرمید؟
(دیوان پروین، ۲۰۳)

۳-۲-۱۷. اعتراض

چرا باید چنین خودکام بودن
اسیر دانه هر دام بودن؟
(دیوان پروین، ۳۲۳)

در دل ما حرص آرایش فزود
نیت پاکان چرا آلوده بود؟
(دیوان پروین، ۳۱۷)

۳-۲-۱۸. استفهام تقریری

در این نوع از استفهام «مخاطب به درستی و صحت قول گوینده اقرار می‌کند. مثلاً آیا پایان کار همه مرگ نیست؟ (یعنی حتماً مرگ است) آیا نباید این کار را کرد؟ (یعنی باید کرد)» (شمیسا، ۱۳۷۹).

گر هم صحبت تو دیو نبودستی
ز که آموختی این شیوه شیطانی؟
(دیوان پروین، ۱۱۲)

از چه همی کاهدمان روز و شب
گر نه که ما گندم و چرخ آسیاست؟
(دیوان پروین، ۳۴)

مخاطب با خواندن چنین جمله‌ای تأیید می‌کند حرف شاعر را که بله درست می‌فرمایید، چرخ آسیاب است و ما هم گندم هستیم.

۳-۲-۱۹. انتظار

در این نوع از جملات ادبی که به شکل پرسشی بیان می‌شود، اغلب حرف اضافه «تا» به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، در شعر حافظ از این شواهد بسیار است و به نوشته خرمشاهی در زبان و ادبیات فارسی «تا» به هشت تا ده معنی مختلف به کار می‌رود (خرمشاهی، ۱۳۸۰).

تا چه بازی رخ نماید بیدقی خواهیم راند
عرصه شطرنج رندان را مجال شاه نیست؟
(حافظ، ۱۳۸۰)

حالی درون پرده بسی فتنه می رود
تا آن زمان که پرده برافتد چه ها کنند؟
(همان)

مادرین بازار گلزار کشتیم این مبارک سرورا
تا که گردد باغبان و تا که باشد آبیار
(دیوان پروین، ۶۶)

۳-۲-۲۰. اثبات عقیده خود و بطلان عقیده دیگران

یکی دیگر از معانی جملات پرسشی تلاش برای اثبات عقیده خود و بطلان عقیده دیگری است؛ مانند این جمله در زبان روزمره فارسی: «دیدی گفتم کتابخانه باز نیست؟». در دیوان پروین نیز از این نوع از جملات پرسشی یافت می شود.

از چه یک دوست بهر من نگذاشت
گر که با من زمانه دشمن نیست؟
(دیوان پروین، ۱۶۹)

چون زجا برخاست زن در را گشود
گفت دیدی آنچه گفتم راست بود؟
(دیوان پروین، ۳۲۲)

عسس کی شود دزد تیسره روان؟
تو خود باش این گنج را پاسبان
(دیوان پروین، ۳۲۶)

معنی: تو فکر می کنی دزد می تواند عسس و داروغه باشد و از اموال مردم محافظت کند، نخیر، دزد عسس نمی تواند باشد، تو خودت پاسبان باش.

۳-۲-۲۱. تنبّه و عبرت

از کارکردهای ثانوی دیگر جملات پرسشی تنبّه و عبرت است؛ یعنی گوینده جملاتی را که برای پند و اندرز دادن در نظر گرفته به شکل خبری بیان نمی کند، بلکه شکل پرسشی را

برایش انتخاب می‌کند؛ گویا شکل پرسشی پند و اندرز گویاتر و تأثیر گذارتر است. مثل این است که در زبان روزمره بگویند: «آن همه پادشاهان پول‌دار کجا رفتند؟»

عاقلی دیوانه‌ای را داد پـــــــند
کز چه بر خود می‌پسندی این گزند؟
(دیوان پروین، ۳۴۴)

حرف امروز چه گویی فرداست
که ترا بر گل دیگر وطن است
(دیوان پروین، ۱۴۶)

بر بلندی چو سپیدار چه افزایی؟
بارور باش تو نخلی نه سپیداری
(دیوان پروین، ۱۰۸)

۲-۲-۲۲. تجاهل مفید اغراق

یکی دیگر از معانی ثانوی جملات پرسشی، تجاهل مفید اغراق یا به تعبیر علم بدیع معنوی «تجاهل العارف» (ن. ک: شمیسا، ۱۳۷۹) است. در این نوع از جملات، گوینده به تعبیر عامیانه خود را به نادانی می‌زند تا مخاطب را متوجه منظور خود کند. نمونه چنین جملاتی در زبان روزمره این جمله است: «این تخم مرغ است یا گردو؟» (همان)

چه برتریست ندانم به مرغ مردم را؟
جز اینکه دعوی باطل کند که انسانی است
(دیوان پروین، ۱۵۶)

پای من از چیست که بی موزه است؟
در تن تو جامه خلقان چر است؟
(دیوان پروین، ۱۳۲)

۲-۲-۲۳. اظهار ندامت

چه کنم گر طلب کند تاوان؟
خجالت و شرم کم ز مردن نیست
(دیوان پروین، ۱۶۹)

چه کنم اوستاد اگر پرسد کوزه آب از اوست از من نیست؟
(دیوان پروین، ۱۶۸)

۲-۲-۲۴. تمنا

به پیش چون تو سیه روی بد دلم افکند چه بودی ار که مرا قدرت سفر بود؟
(دیوان پروین، ۲۷۵)

۲-۲-۲۵. عظیم

همواره دید و تیره نگشت این چه دیده است پیوسته کشت و کدنگشت این چه خنجر است
(دیوان پروین، ۳۱)

۲-۲-۲۶. انس گرفتن

یکی دیگر از کارکردهای جملات پرسشی، باز کردن سر صحبت و انس گرفتن است، یعنی گوینده از بیان سؤال هیچ چیزی غیر از انس گرفتن و صمیمی شدن با مخاطب در ذهن ندارد:

گفت گرگی با سگی دور از رمه که سگان خویشند با گرگان همه
از چه گشتستیم ما از هم بری؟ خوی کردستیم با خیره سری؟
از چه معنی خویشی ما ننگ شد؟ کار ما تزویر و ریو رنگ شد؟
(دیوان پروین، ۳۶۶)

۲-۲-۲۷. منافات یا عدم تناسب

در تعدادی از جملات یافت شده در شعر پروین، منظور ثانوی جملات پرسشی، عدم تناسب است؛ یعنی شاعر ناهماهنگی و عدم توازن امری را به شکل پرسشی بیان می کند. در زبان روزمره نیز از این نوع جملات فراوان یافت می شود؛ به عنوان مثال، «ما کجا و پسته خندان کجا؟»؛ یعنی اصلاً ما با هم یک جا جمع نمی توانیم شویم چون باهم تناسبی نداریم.

من کجا و بلای محبس دیگ؟ من کجا و چنین مهیب حصار؟
(دیوان پروین، ۲۲۱)

لانه موران کجا و پیل مست باید اندر خانه پیلان نشت
(دیوان پروین، ۲۹۹)

۳-۲-۲۸. حسرت

هرگز مرا ز داشتن خلق رشک نیست زان غبطه می‌خورم که چرا من نداشتم؟
(دیوان پروین، ۲۲۸)

۳-۲-۲۹. شمول حکم

منظور از شمول حکم در اینجا کلی بودن حکم است، یعنی حکمی شامل حال همه اشخاص شود و قصد گوینده آنست که با شکل پرسشی این جملات تأکید کند هیچ یک از این افراد از این منظر باهم فرقی ندارند.

نفس بسی وام گرفت و نداد وام تو چون باز دهد؟ بینواست؟
(دیوان پروین، ۳۲)
معنی: نفس (اماره) تا حال از هر کسی وام گرفته، پس نداده است، وام تو را نیز پس نخواهد داد.

بی من ز لانه دور نگردید هیچ یک تنها چه اعتبار در این کوی و برزن است
(دیوان پروین، ۱۴۸)
معنی: بدون من در این کوی و برزن نگردید، هیچ یکی از ما در این کوی و برزن اعتباری نداریم.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی اشعار دیوان پروین در مقام شاعری در دوره معاصر نشان می‌دهد که وی نیز همانند شعرای بزرگ ادب فارسی مانند حافظ، سعدی و... از جملات پرسشی برای القای معانی

ثانوی در بافت ادبی بهره گرفته است. از مجموع ۶۳۹ جمله پرسشی، ۳۴ معنا در پرسش واقعی و ۶۰۵ جمله پرسشی در ۲۹ معنای ثانوی به کار رفته‌اند که بیشترین به استفهام انکاری و کمترین به معنای ثانوی حسرت و شمول حاکم اختصاص دارد. پروین از جملات پرسشی در هر دو معنای سؤال (اولیه) و ثانویه استفاده کرده است. این نکته نشان می‌دهد جملات پرسشی با معنای ثانوی در بافت ادبی کاربرد بیشتری دارد و بافت ادبی ظرفیت جملات پرسشی در معنای ثانوی را چندین برابر می‌کند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

سپاسگزاری

این پژوهش حامی مادی نداشت. از تمام استادان و همکاران رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت و دوستانی که در گردآوری و تحلیل داده‌ها به ما کمک کردند و نیز از داوران محترم و همکاران محترم مجله متن پژوهی ادبی، تقدیر و تشکر می‌کنیم.

ORCID

Jahandoost Sabzalipour



<https://orcid.org/0000-0003-3528-3904>

Hengameh Vaezi



<https://orcid.org/0000-0002-8078-5084>

منابع

- افضلی‌راد، رحیم و ماهیار، عباس. (۱۳۹۵). پرسش و اغراض ثانوی آن در غزلیات سعدی. دو فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، ۲۴ (۸۰)، ۳۵-۶۳.
- اعتصامی، پروین. (بی‌تا). کلیات دیوان. به کوشش محمدتقی بابایی. تهران: کتاب نمونه.
- اکبری، حمیدرضا. (۱۳۸۳). منظورشناسی جملات پرسشی بوستان سعدی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان، دانشگاه شیراز.
- آق‌اولی، عبدالحسین. (بی‌تا). دراللدب. قم: الهجره.
- آهنگر، عباسعلی. (۱۳۸۵). تحلیلی کمینه‌گرا از اشتقاق جمله‌های استفهامی ساده در زبان فارسی. مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، ۱۵۳، ۱۰۹-۱۲۶.

- باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. چ ۴. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- باقری خلیلی، علی اکبر و محمودی نوسر، مریم. (۱۳۹۲). منظورشناسی جملات پرسشی در غزلیات سعدی. بهار ادب، ۱(۶)، ۴۳-۵۷.
- بتولی آرنانی، عباس. (۱۳۸۰). نقش‌های معنایی منظوری جملات پرسشی در اشعار مهدی اخوان ثالث. پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، دانشگاه شیراز.
- پارسا، احمد و مهدوی، دلارام. (۱۳۹۰). بررسی نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات شمس. زبان و ادبیات فارسی، ۱۹(۷۰)، ۲۹-۵۸.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۶۳). هنجار گفتار. اصفهان: فرهنگسرای اصفهان.
- خرمشاهی، بهالدین. (۱۳۸۰). حافظ‌نامه. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دبیر مقدم، محمد. (۱۳۹۵). زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی. و ۳. چ ۱. تهران: انتشارات سمت.
- دشتی‌آهنگر، مصطفی. (۱۳۹۵). پرسش بلاغی تشریکی در ادبیات معاصر فارسی. فنون ادبی، ۱۶، ۱۱۹-۱۳۶.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۷۹). جملات پرسشی در زبان فارسی، مجموعه مقاله‌های پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی، تهران: دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رحیمیان، جلال و شکری احمدآبادی، کاظم. (۱۳۸۱). نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز؛ ویژه‌نامه زبان انگلیسی و زیباشناسی، ۱(۳۵)، ۱۸-۳۴، ۱۷.
- رجایی، محمد خلیل. (۱۳۵۳). معالم البلاغه. شیراز: دانشگاه شیراز.
- رضانژاد، غلامحسین. (۱۳۶۷). اصول علم بلاغت. تهران: الزهراء.
- زاهدی، زین‌الدین (جعفر). (۱۳۴۶). روش گفتار علم البلاغه. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). معانی. تهران: میترا.
- _____ (۱۳۸۱). بیان و معانی. تهران: فردوس.
- طاهری، حمید. (۱۳۸۶-۱۳۸۷). سؤال و اغراض ثانوی آن در غزلیات حافظ. دانشگاه الازهر، ۱۷(۱۸-۶۸)، ۶۹-۸۷، ۱۱۸.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۰). زیباشناسی سخن پارسی ۲ (معانی). تهران: مرکز.
- عماد افشار، حسین. (۱۳۷۲). دستور و ساختمان زبان فارسی. چ ۲. تهران: انتشارات علامه طباطبائی.
- غلامعلی‌زاده، خسرو. (۱۳۷۲). فرآیندهای حرکتی در زبان فارسی. رساله دکتری، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران.

قریب، عبدالعظیم؛ بهار، محمدتقی؛ همایی، جلال‌الدین؛ فروزانفر، بدیع‌الزمان؛ یاسمی، رشید. (۱۳۶۹). *دستور زبان فارسی (پنج استاد)*. ج ۷. تهران: انتشارات اشراقی.

لازار، ژیلبر. (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی معاصر*. ترجمه مهستی بحرینی. تهران: انتشارات هرمس.
مازندرانی، محمدبن محمدصالح. (۱۳۷۶). *انوارالبلاغه*. به کوشش محمدعلی غلامی نژاد. تهران: قبله.

مالمیر، محمد ابراهیم و وزیله، فرشید. (۱۳۹۶). دولت قرآن. (تأملی نو بر معانی ثانوی استفهام با تکیه بر غزلیات حافظ و آیاتی از قرآن کریم. پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۵. (۲-پ۱۸)، ۹۷-۶۰.

مشکوٰة‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۴). جابه‌جایی سازه پرسشی در جمله‌های فارسی و برخی نتایج نظری آن، مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
میرعمادی، سید علی. (۱۳۷۶). *نحو زبان فارسی*. (بر پایه حاکمیت و مرجع‌گزینی). ج ۱. تهران: انتشارات سمت.

واعظی، هنگامه. (۱۳۸۹). *بررسی صوری، نقشی و شناختی ساخت‌های پرسشی در زبان فارسی*. رساله دکتری، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، گروه آموزشی زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، دانشگاه علامه طباطبائی.
واعظی، هنگامه و مدرسی، بهرام. (۱۳۹۶). *گذری بر مبانی زبان‌شناسی همراه با گزیده اصطلاحات مقدماتی زبان‌شناسی*. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب.

References

- Afzali Rad, R., Mahyar, A. (2016). Question and its Secondary Senses in Sa'di Poems. *Two Quarterly Journals of Persian Language and Literature*, 24(80), 35-63. [In Persian]
- Ahangar, A. A. (2006). Minimalist Analysis of the Derivation of Simple Interrogative Sentences in Persian. *Faculty of Literature and Humanities University of Mashhad*, 153, 109-126. [In Persian]
- Akbari, H. R. (2014). *Semantics of Interrogative Sentences used in Sa'adi Poems*. Master Thesis in Persian Teaching to non-Persian Speakers, Shiraz University. [In Persian]
- Aq Oli, A. (N.D). *Darradeb*. Qom: Alhajara. [In Persian]
- Austin, J. L. (1962). *How to do things with words*. Oxford: Oxford University Press.
- Bagheri Khalili, A., Mahmoudi Nosar, M. (2013). The Meaning of Interrogative Sentences in Saadi's Poems. *Bahar Adab*, (6)1, 43-57. [In Persian]

- Batni, M. R. (1991). *Description of Persian Grammar Structure*. Fourth Edition. Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
- Batoli Arani, A. (2001). *The Meanings of Interrogative Sentences in the Mehdi Akhavan Sales Poems*. Master Thesis in Persian teaching to non-Persian Speakers, Shiraz University. [In Persian]
- Dabir Moghaddam, M. (2016). *Theoretical Linguistics: The Emergence and Development of Generative Grammar*. 3 Edition. Tehran: Samt Publication. [In Persian]
- Dashti Ahangar, M. (2016). Collaborative rhetorical Question in Contemporary Persian Literature. *Literary Techniques*, 16, 119-136. [In Persian]
- Emad Afshar, H. (1993). *Persian Grammar and Structure*. 2 Edition. Tehran: Allameh Tabataba'i Publications. [In Persian]
- E'tesami, P. (Bita). *Poetry*. By Mohammad Taghi Babaei. Tehran: Sample Book. [In Persian]
- Gharib, A. A. et al. (1990). *Persian Grammar (five masters)*. Seventh Edition. Tehran: Ishraqi Publication. [In Persian]
- Gholam'alizadeh, Kh. (1993). *Movement Processes in Persian Language*. PhD Dissertation. Department of Linguistics, University of Tehran. [In Persian]
- Grice, P. H. (1975). Logic and Conversation. *Cole and Morgan (9eds). Syntax and Semantics*. Vol III: Speech Acts. NY: Academic Press. pp 41-58.
- Jorjani, A. Q. (1984). *The Norm of Speech*. Isfahan: Isfahan Cultural Center.
- Kahnemuyipour, A. (2001). On Wh-Questions in Persian. *Canadian Journal of Linguistics*, 46(1-2), 41-61.
- Karimi, S., Taleghani, A. (2007). Wh - Movement. Interpretation. and Optionality in Persian. In Karimi, S.; Samiiian, V. and Wilkins, W. (eds) *Clausal and Phrasal Architecture: Syntactic Derivation and Interpretation*. John Benjamin Publishing.
- Kazazi, M. J. (1991). *Aesthetics of Persian Speech, 2 (Meanings)*. Tehran: Center. [In Persian]
- Khorramshahi, B. (2001). *By Hafiz*. 2 Vols. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]
- Lazard, G. (2005). *Contemporary Persian Grammar*. Mahsti Bahraini (Translator). Tehran: Hermes Publishing. [In Persian]
- Malmir, M. I., Vazileh, F. (2017). The State of the Qur'an (A new Reflection on the Secondary Meanings of Interrogation based on Hafiz Poems and Verses from the Holy Qur'an. *Literary-Qur'anic researches*, 5. 2 (18), 60-97. [In Persian]

- Mazandarani, M. M. S. (1997). *Anwar Al-Balaghah*. By Mohammad Ali Gholaminejad. Tehran: Qibla. [In Persian]
- Meshkatodini, M. (1995). Displacement of the Question Structure in Persian Sentences and some of its Theoretical Results, *Proceedings of the Third Linguistics Conference*, Tehran: Allameh Tabataba'i University. [In Persian]
- Mir Emadi, S. A. (1997). *Persian Language Syntax (based on government and binding theory)*. 1 Edition. Tehran: Samat Publication. . [In Persian]
- Parsa, A., Mahdavi, D. (2011). A Study of Meanings of Interrogative Sentences in Shams Poems. *Quarterly Journal of Persian Language and Literature*, 19(70), 29-58. [In Persian]
- Rahimian, J., Shokri Ahmadabadi, K. (2002). The Meanings of Interrogative Sentences in Hafez Poems. *Journal of Social Sciences and Humanities, Shiraz University*, 18. 1(35), 17-34. [In Persian]
- Rajaei, M. Kh. (1974). *Maalam al-Balaghah*. Shiraz: Shiraz University. [In Persian]
- Rasekh Mahand, M. (2000). Interrogative Sentences in Persian, *Proceedings of the Fifth Linguistics Conference*, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University. [In Persian]
- Rezanejad, Gh. H. (1988). *Principles of Rhetoric*. Tehran: Al-Zahra. [In Persian]
- Searle, J. R. (1969). *Speech Acts*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Shamisa, S. (2000). *Meanings*. Tehran: Mitra. [In Persian]
- _____ (2001). *Expression and Meanings*. Tehran: Ferdows.
- Taheri, H. (2008). Question and its Secondary Purposes in Hafez Poems. *Scientific-Research Journal of Al-Azhar University*, 18-17 (68-69), 87-118. [In Persian]
- Vaezi, H. (2010). *Formal, Functional and Cognitive Analysis of WH- Questions in Persian Language*. PhD dissertation, Department of linguistics, Allameh Tabataba'i University. [In Persian]
- Vaezi, H., Modarresi, B. (2017). *The Basic Principles of Linguistics*. Tehran: Islamic Azad University Publication. [In Persian]
- Yule, G. (2006). *The Study of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Zahedi, Z. (1967). *The Method of Speech of Theology*. Mashhad: Ferdowsi University. [In Persian]

استناد به این مقاله: سبز علیپور، جهان دوست، واعظی، هنگامه. (۱۴۰۱). معانی ثانوی جمله‌های پرسشی در اشعار پروین اعتصامی. فصلنامه متن پژوهی ادبی، ۲۶ (۹۲)، ۲۲۳-۲۵۲. doi: 10.22054/LTR.2019.44260.2746



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.